

آیین نگارش فارسی

در زمینه شیوه نگارش فارسی دستورالعمل واحدی، که مبتنی بر موازین و معیارهای علمی، تاریخی و زبان شناختی باشد، هنوز تدوین نشده است و تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، بیشتر محصول ذوق و استنباط شخصی صاحب نظران این فن است که آن هم در برخی از موارد به دستورالعمل‌ها و شیوه نامه‌هایی به طور کامل مختلف و متغایر انجامیده است. با این وجود، می‌توان در مجموع، از آیین‌نامه و شیوه‌نامه‌های موجود در این زمینه نکاتی تا حدودی مشترک و مورد اتفاق را استخراج کرد، که به کار بستن آنها در درست نویسی خط و املاي فارسی مفید و رهگشا باشد در ادامه به مهمترین این نکات اشاره می‌شود.

1. حد و استقلال دستوری هر کلمه، از نظر معنی و عمل دستوری آن، باید حفظ گردد و هر کلمه مستقل، جدا از کلمه‌های دیگر نوشته شود؛

مثال:

نویسیم	بنویسیم
دانشسرایعالی	دانشسرای عالی
وزارتفرهنگ	وزارت فرهنگ
هیچکس	هیچ کس
نگاهداشتن	نگاه داشتن
عرضکردن	عرض کردن
فرمانداریکل	فرمانداری کل
ارجاعکرد	ارجاع کرد

نکته 1: کلمه های «را»، «ای»، «تو»، «یک»، «که»، «چه» (حرف ربط و ضمیر و صفت پرسشی و تعجبی)، «این» و «آن» (صفت اشاره) را نباید به کلمه های دیگر چسبانند.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
دوست را	دوسترا
ای دوست	ایدوست
تو را	ترا
یک روز	یکروز
که را؟	کرا
چه گویم؟	چگویم
چه کار می کنی؟	چکار می کنی
این کار	اینکار
آن کس	آنکس

نکته 2: «چه» در کلمه هایی نظیر؛ چرا (به معنی «برای چه»، نه به معنی «چه چیز را») و چسان باید پیوسته نوشته شود.

مثال:

بنویسم	نویسیم
چرا؟	چه را
چسان؟	چه سان
چقدر؟	چه قدر
چطور؟	چه طور

نکته 3: هرگاه «چه»، «ها» و «که» با «آن»، «این»، «چنان» و «همچنان» ترکیب شود، باید پیوسته نوشته شود.
مثال:

بنویسیم	نویسیم
آنکه	آن که
اینکه	این که
چنانکه	چنان که
همچنانکه	همچنان که
چنانچه	چنان چه
آنچه	آن چه
آنها	آن‌ها
اینها	این‌ها

نکته 4: «است» را هرگز نباید به «که» متصل نوشت.
مثال:

بنویسیم	نویسیم
درست است که	درست استکه
مردی است که	مردی استکه
آن است که	آن استکه

2. هر گاه دو یا چند کلمه با هم ترکیب شود و از ترکیب آنها کلمه‌ای تازه مفهوم معنی دیگری غیر از مفهوم هر یک از اجزای ترکیب شونده پدید بیاید، باید آنها را پیوسته نوشت. به عنوان مثل، «کتاب» دارای یک معنی خاصی است، اما «کتابخانه» دیگر نه معنی «کتاب» را دارد و نه معنی «خانه» را، بنا بر این اجزای چنین کلمات مرکبی را باید متصل نوشت، تا به ذهن القا شود.

مثال:	بنویسیم	نویسیم
	اینجا	این جا
	آنجا	آن جا
	اینجانب	این جانب
	چیستان	چیست آن
	نگهداری	نگه داری
	پنجشنبه	پنج شنبه
	یکدیگر	یک دیگر
	هیچکاره	هیچ کاره

نکته 1: پسوند «تر» و «ترین» بهتر است جدا از کلمه نوشته شود، با این وجود در قیدهای بهتر، بیشتر، کمتر، مهمتر، کوچکتر، بزرگتر، نزدیکتر و ... که متصل آن رایج شده است. یکسره نوشتن آن اشکالی ندارد. اما در کلمات دیگر به ویژه کلمات دندانه دار و کلماتی که رسم الخط آن نازیبا می شود، باید جدا نوشته شود.

مثال: رایج تر، موفق تر، بهینه تر، خوردنی تر، مستقیم ترین، تازه تر، جامع تر، جالب تر، راحت تر، مشروح تر، با اهمیت تر، متنوع تر، خواندنی تر، اصلی تر و ...

نکته 2: اگر پیوسته نوشتن اجزای کلمه مرکب، باعث اشتباه یا دشواری در خواندن یا نوشتن کلمه بشود یا خلاف عرف به نظر بیاید، چنین کلمه‌هایی را باید جدا، اما نزدیک به هم نوشت.

مثال:	بنویسیم	نویسیم
	هم منزل	هممنزل
	کینه توز	کینتوز
	عدالت پیشه	عدالتپیشه
	بی تربیت تر	بیتر بیتتر

نکته 3: هرگاه جزء دوم کلمه مرکب با «آ» آغاز شود، در ترکیب، مد از روی «الف» حذف می‌شود.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
پیشاهنگ	پیش‌آهنگ
دل‌آویز	دل‌آویز
پیشامد	پیش‌آمد
دل‌آرام	دل‌آرام
هماواز	هما‌آواز

3. حرف اضافه «به» جدا از اسم و ضمیر نوشته می‌شود.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
به خانه	بخانه
به تهران	بتهران
به مدرسه	بمدرسه
به لندن	بلندن
به کتابخانه	بکتابخانه
به شهر	بشهر
به تو	بتو

نکته 1: از آنجا که حرف «ب» در کلمه‌های عربی متداول در فارسی، همچون بلافصل، بلاشک و مانند آنها، حرف جر عربی است نه حرف اضافه فارسی باید به کلمه بعد متصل نوشته شود.

مثال:

بنویسیم	بنویسیم
به لا فصل	بلا فصل
به لا شک	بلا شک
به لا معارض	بلا معارض
به لا فاصله	بلا فاصله
به لا تکلیف	بلا تکلیف
ما به ازا	ما بازا
به دون	بدون
به اسم الله	بسم الله

نکته 2: «ب» در «بد» که گونه دیگری از «به» است در مواردی مانند؛ بدین، بدان، بدانان، بدیشان، بدو و بدینوسیله باید متصل نوشته شود.

نکته 3: حرف «ب» گاه در ترکیب با اسم به عنوان جزء پیشین به کار می‌رود و صفت یا قید می‌سازد که در این صورت نباید آن را با حرف اضافه «به» اشتباه کرد، بلکه باید متصل به کلمه بعد نوشته شود.

مثال:

بخرد (خردمند)، بهوش (هوشیار)، بنام (نامی، معروف)، بجَد (جدی)؛
در نمونه‌های زیر این مسأله به خوبی نمایان است.

مثال:

حرف اضافه

به جد و جهد چوکاری نمی‌رود از پیش...

در این کار بجَد (جدی) باش.

جزء پیشین (که از ترکیب با اسم، صفت و قید ساخته است)

اگر گلی، بحقیقت عجین آب حیاتی

همیشه باید به حقیقت توجه داشت.

4. «پیشوندها و پسوندها» به کلمه‌ای که با آن ترکیب می‌گردد، در بیشتر مواقع متصل نوشته می‌شود.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
همنشین	هم نشین
همدل	هم دل
همکار	هم کار
همراهی	هم راهی
باغبان	باغ بان
مرغدانی	مرغ دانی
دانشمند	دانش مند
گلزار	گل زار
کشتزار	کشت زار

5. اجزای پیشین فعل یعنی «ب»، «ن» و «م» را باید پیوسته به فعل نوشت.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
ببیند	به بیند
برود	به رود
نخواند	نه خواند
نبینی	نه بینی
مکن	مه کن

نکته 1: پیش جزءهای «ب، ن، م» وقتی بر سر فعلی که با «آ» آغاز می‌شود، بیایند، مد از روی «ا» حذف می‌شود و به جای آن «ی» پیش از «ا» در می‌آید.

مثال:

آید	←	ب + آید	←	بیاید
آراید	←	ن + آراید	←	نیاراید
آسا	←	م + آسا	←	میاسا

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم
 چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
 (سعدی)

چند گویی که چو ایام بهار آید
 گل بیاراید و بادام با باز آید
 (ناصر خسرو)

نکته 2: «به» را در اول عبارت فعلی، به قیاس قاعده شماره 3 جدا می‌نویسند.
 مثال:

بنویسیم	نویسیم
به کار برد	بکار برد
به بار آمد	ببار آمد
به دست آورد	بدست آورد
به خاطر آورد	بخاطر آورد
به زانو در آمد	بزانو در آمد

نکته 3: «ته» حرف ربط که به طور معمول در جمله مرکب می‌آید و تکرار می‌گردد، جدا از فعل نوشته می‌شود.

مثال:

نه می‌خرد، نه می‌فروشد.

نه می‌خواند، نه می‌نویسد.

نه می‌بیند، نه می‌شنود.

6. «می» و «همی»، جدا از فعل نوشته می‌شود.

مثال:

بنویسیم	ننویسیم
می‌گوید	میگوید
می‌خواند	میخواند
می‌کند	میکند
می‌زد	میزد
همی‌گفت	همیگفت
همی‌رفت	همیرفت
همی‌نوشت	همینوشت

7. «بی» دو گونه است:

الف (حرف اضافه به معنی «بدون»، که مثل «به» حرف اضافه جدا و با فاصله بین کلمه‌ای نوشته می‌شود.

مثال:

بی‌تربیت نمی‌توان به سروری رسید.

بی‌نظم و تربیت هیچ کاری پیش نمی‌رود.

بی‌کار نمی‌توان به موفقیت دست یافت.

ب (پیشوند منفی که بر اسم یا ضمیر می‌آید و صفت مرکب می‌سازد، باید پیوسته نوشته شود.

مثال:

بیخود از شیشه پرتو ذاتم کردند

باده از جام تجلی صفاتم کردند
 بیدلی در همه احوال خدا با او بود
 (حافظ)
 او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد
 (حافظ)

نکته : هرگاه در آغاز واژه هایی که چند دندانه دارند و با پیوستن «بی» پیشوند به آنها، نازیبا یا ناخوانا می شوند و نیز کلمه هایی که با همزه شروع می شوند و با اتصال « بی »، «همزه» در تلفظ با « الف » اشتباه می گردد، « بی » را باید جدا اما بدون فاصل بین کلمه ها نوشت.

مثال:

ننویسیم

بیسر و پا
 بیتریت
 بیسامان
 بیاساس
 بیارزش

بنویسیم

بی سر و پا
 بی تربیت
 بی سامان
 بی اساس
 بی ارزش

8. «ه» بیان حرکت، در جزء اول از کلمات مرکب و کلمات جمع بسته شده با «ها» نه حذف می گردد و نه پیوسته نوشته می شود.

مثال:

ننویسیم

علاقمند یا علاقهمند
 گلمند یا گلهمند
 جامها یا جامهها
 حیلها یا حیلها

بنویسیم

علاقه مند
 گله مند
 جامه ها
 حیلها

9. در کلمات مرکب عربی متداول در فارسی، کلمه‌های مستقل را باید جدا از هم نوشت.

مثال:

بنویسیم	بنویسیم
انشاءالله	ان شاءالله
منجمله	من جمله
عنقریب	عن قریب
علیهذا	علی هذا
معهدا	مع هذا
معذالک	مع ذالک
علیرغم	علی رغم
علیحدہ	علی حدہ
ذیصلاح	ذی صلاح

10. «ها» ی علامت جمع، باید جدا از کلمه نوشته بدون فاصله شود.

مثال:

بنویسیم	بنویسیم
گلها	گل‌ها
باغها	باغ‌ها
کتابها	کتاب‌ها
قلمها	قلم‌ها

11. کلمه‌هایی که به صورت بلند «آ» و «و» ختم می‌شوند، هنگام اضافه شدن به کلمه ای دیگر یا آمدن صفت در پی آنها، «ی» میان آنها فاصله می‌شود.

مثال:

دانای روزگار، موی سیاه، کالای فاسد، بوی زلف، ندای بلند، سیوی بزرگ

نکته: در هنگام اتصال این نوع کلمه ها به «ان» علامت جمع یا صفت عالی و یا اسم مصدر) بین کلمه و این علامت، «ی» فاصله می شود.

مثال:

خدایان یونان و روم، آشنایان، دانایان، نکویان، لیبیک گویان، نمایان، قالیشویان

12. کلمه های مختوم به مصوت بلند «ی» مانند آگاهی، دیوانگی، ماهی و امثال آن در هنگام اتصال به یایی دیگر (وحدت نکره) نوشته می شود.

مثال:

بنویسیم	ننویسیم
آگاهی ای	آگاهی
دیوانگی ای	دیوانگی
ماهی ای	ماهی
معنی ای	معنی
قاضی ای	قاضی

نکته: این نوع کلمات در هنگام اضافه شدن به کلمه ای دیگر، در حکم کلمه ای مختوم به صامت هستند.

مثال:

ماهی دریا، معنی کلمه، قاضی شهر، دیوانگی او، ماهی درشت، معنی مناسب

13. «هم» (حرف ربط) از ما قبل و ما بعد خود جدا نوشته می شود.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
هم خواند هم نوشت	همخواند همنوشت
من هم همین را گفتم	منهم همین را گفتم

14. اسم‌های خاص و کلماتی مانند هارون، اسماعیل، رحمان، اسحاق، ابراهیم، ملائکه، سماوات و سلیمان را بهتر است همین طور که کتابت شده است بنویسیم، نه به صورت هرون، اسمعیل، رحمن و ... البته به طور استثنا در بعضی از نسخه‌های قرآن که منطبق با رسم‌الخط عربی است، به این شکل نوشته می‌شود.
15. در کلمه‌هایی همچون کاووس، طاووس، داوود و مانند اینها که یک واو صامت و یک واو مصوت دارند، بهتر است هر دو واو را در نوشتن حفظ کنیم.
16. «الف» مقصوره برخی کلمه‌های مقصور عربی، همچنانکه در فارسی «الف» تلفظ می‌شود، به صورت « الف » نوشته می‌شود.

مثال:

بنویسیم	نویسیم
محتوا	محتوی
اعلا	اعلی
بلوا	بلوی
تقوا	تقوی
مبتلا	مبتلی
مصفا	مصفی
شورا	شوری
هوا	هوی
مقوا	مقوی
معلا	معلی

نکته: اگر این گونه « الف » در اسم‌های خاص عربی باشد، به پیروی از اصل، باید با (ی) نوشته شود.

مثال:

مصطفی، مجتبی، مرتضی، موسی، عیسی، یحیی و ...

همچنین واژه‌های الی، حتی، علی، چه به تنهایی و چه در ترکیب‌ها، با وجود اینکه داری الف مقصوره هستند به همین شکل که کتابت شده نوشته می‌شوند.

نکته: اسم‌های خاص کبرا، صغرا و لیلا با «الف» نوشته می‌شوند.

17. هرگاه اجزای پیشین «ب، ن، م» بر سر افعال آغاز شده با «ا» درآیند،

همزه در نوشتن و تلفظ به «ی» تبدیل می‌شود.

مثال:

بنویسیم	ننویسیم
بینداخت	بیانداخت
نینداخت	نیانداخت
مینداز	نیانداز
بیفکند	بیافکند
میفکن	میافکن
بیفتاد	بیافتاد
نیفتاد	نیافتاد

18. وقتی پس از حرف صامت «ی»، حرف صدادار کشیده و بلند «ی» بیاید هر دو حرف به صورت یاء نوشته می‌شوند.

مثال:

بنویسیم	ننویسیم
بوییدن	بوئیدن

موئیدن	موییدن
روئیدن	روییدن
پائین	پایین

19. «تنوین» ، مخصوص کلمه های عربی است و تابع ضوابط خاص صرفی و نحوی آن زبان می باشد ؛ لذا از به کار بردن آن در کلمه های فارسی باید اجتناب شود.

مثال:

بنویسیم	ننویسیم
به ناچار	ناچاراً
جانی	جاناً
زبانی	زباناً
دوم	دوماً
سوم	سوماً
گاهی	گاهاً
تلفنی	تلفناً
تلگرافی	تلگرافاً

نکته : کلمه های عربی که دارای تنوین نصب باشند، بهتر است معادل فارسی آنها به کار برده شود.

مثال:

معالل فارسی	کلمه عربی
بی درنگ	فوراً
به تحقیق	تحقیقاً
به سرعت	سریعاً

تدریجاً	به تدریج
تقریباً	به تقریب (حدود)
یقیناً	به یقین
اتفاقاً	اتفاقی
مفصلاً	به تفصیل
شدیداً	به شدت
عمداً	به عمد
ندرتاً	به ندرت
حقیقتاً	به حقیقت
ضرورتاً	به ضرورت
کلاً	به کلی
تماماً	به تمامی
حقاً	به حق
تصریحاً	به تصریح
مثلاً	مثال
دقیقاً	به دقت
خصوصاً	به خصوص

20. همزه عربی هنگامی که در آغاز کلمه واقع شود، در حکم همزه فارسی است و نوشتن آن با کلمه‌های فارسی که با همزه آغاز می‌شوند هیچ تفاوتی ندارد.
مثال:

اسم، اصل، اساس، اعظم، ارشد و ...

همزه ساکن آخر کلمه‌های ممدود عربی، مثل؛ ابتداء، انتهاء، صحراء، املاء، بیضاء، رجاء، شعراء، فضلاء و ... در تلفظ فارسی حذف می‌شود.

این گونه کلمه‌ها، وقتی که مضاعف یا موصوف واقع شوند، قاعده اسم‌های مختوم به «الف» در فارسی، در مورد آنها جاری می‌شود.

مثال:

بنویسیم	بنویسیم
ابتداء کار	ابتدای کار
انتهاء راه	انتهای راه
املاء درس	املای درس
اقتضاء وقت	اقتضای وقت

همزه ساکن وسط یا آخر، در صورتی که پس از فتحه (َ) واقع شده باشد روی کرسی «ا» نوشته می‌شود.

مثال:

رأس، یأس، رأفت، مأخذ، مأوا، تألیف، تأدیه، تأثیر، تأدیب، تأیید، تأکید و ...
همزه مضموم وسط کلمه، پیش از مصوت بلند «و» به پیروی از مصوت بلند «و» نوشته می‌شود:

مثال: مسؤول، شؤون، رؤوس، مؤونت، مرؤوس

21. کلمه‌های خدمتگزار، نمازگزار، حقگزار، شکرگزار و ... را به همین صورت، با (ز) می‌نویسند.

زیرا به معنی «ادا کردن، انجام دادن و به‌جا آوردن است»؛ در صورتی که کلمه از این قبیل به معنی «نهادن و قرار دادن» باشد با «ذال» نوشته می‌شود.
تأثیرگذار، نیز به معنی تأثیرگذارنده و گذاشتن است با «ذال» نوشته می‌شود.

ویرایش و معادل فارسی تعدادی از کلمات در خبر

در ادامه نگارش، رسم الخط، شیوه نوشتاری صحیح و معادل فارسی بعضی از کلمات رایج در محاوره و نوشتار روزانه زبان و ادبیات فارسی آمده است.

بنویسیم	بنویسیم
آب شرب	آب آشامیدنی
اتم‌سفر سیاسی کشور	جو سیاسی کشور
اثرات	اثرها / آثار
اجرای اهداف	تأمین اهداف
استعفا داد	استعفا کرد
اطاق	اتاق
معاصر	هم‌روزگار
اطلاع حاصل کردن	مطلع شدن
اقشار	قشرها
اکثراً	اکثر / بیشتر
امضای توافق	امضای توافق‌نامه
امضای سازش	امضای سازش‌نامه
انجام امر	اجرای امر
برای انجام این انتخابات	برای برگزاری این انتخابات
تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد	تحقیقات نشان می‌دهد
گفتگوی تلفنی انجام دادند	تلفنی گفت‌وگو کردند
ایجاد دولت	تشکیل دولت

از دشواری‌های خاصی برخوردار است
این طرح از نقاط ضعفی برخوردار است
جاده چالوس از ترافیک سنگینی
برخوردار بود.

جنگ از شدت بیشتری برخوردار بود.
هوای تهران از آلودگی برخوردار است.
حمله بر ضد مواضع دشمن

برودت هوا

بشریت از آن رنج می‌برد

بلند مدت‌دار

وام‌های مدت‌دار

بلیط

این دیدار به طور محرمانه صورت گرفت
به‌طور نامحدود

ارزیابی به عمل آمده نشان می‌دهد

اقدام به عمل آورد

بازدید به عمل آورد

دعوت به عمل آورد

پروژه

تأمیم

تئوری

تسلیت باد

تظاهرات کنندگان

جاناً

دشواری‌های خاصی دارد
این طرح نقاط ضعفی دارد
جاده چالوس ترافیک سنگینی داشت

جنگ شدیدتر بود

هوای تهران آلوده است.

حمله به مواضع دشمن

سرمای هوا

بشر از آن رنج می‌برد

بلند مدت

وام‌های بلند مدت

بلیط

این دیدار محرمانه صورت گرفت
نامحدود

ارزیابی نشان می‌دهد

اقدام کرد

بازدید کرد

دعوت کرد

طرح

تعمیم

نظریه

تسلیت می‌گوییم

تظاهرات کنندگان

جانی

دوماً	دوم
زباناً	زبانی
سوماً	سوم
گاهاً	گاه / گاهی
تهنیت باد	تهنیت می گوئیم
جامعه عمل پوشید	جامه عمل پوشید
آزمایشات	آزمایش‌ها
پیشنهادات	پیشنهاد / پیشنهادها
سفارشات	سفارش / سفارش‌ها
گرایشات	گرایش / گرایش‌ها
گزارشات	گزارش / گزارش‌ها
نمایشات	نمایش / نمایش‌ها
روزنامه‌جات	روزنامه‌ها
سبزیجات	سبزی‌ها
کارخانجات	کارخانه‌ها
نوشته‌جات	نوشته‌ها
مبارزین، مبتکرین، مبلغین	مبارزان، مبتکران، مبلغان
مجروحین، محترکین، محرومین	مجروحان، محترکان، محرومان
محققین، مخالفین، مخترعین	محققان، مخالفان، مخترعان
معلمین، مقدسین، منتقدین	معلمان، مقدسان، منتقدان
بازرسین، داوطلبین	بازرسان، داوطلبان
آنچه را که در توان دارند	آنچه در توان دارند
هر چه که بخواهند	هر چه بخواهند
خبرگزاری فرانسه گفته بود	خبرگزاری فرانسه گزارش داده بود

خریداری کردن	خریدن
خطرات	خطرها
خود محورانه	خود محوری
سیاست خود محورانه	سیاست خود محوری
خوشنود	خشنود
در رابطه با	در مورد
گزارشی در ارتباط با این سفر ارایه داد	درباره این سفر گزارش داد
شورا در این رابطه تصمیماتی اتخاذ می‌کند	شورا در این باره تصمیم می‌گیرد
در ارتباط با تورم سخن گفت	درباره/ در زمینه تورم سخن گفت
درب اتاق	در اتاق
درب منازل	در منازل
در سطح بخش کشاورزی	در بخش کشاورزی
در سطح دانشگاه‌ها تدریس می‌شود	در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود
در این زمینه دست به اقدام می‌زند	در این زمینه اقدام می‌کند
دست به راه‌پیمایی زدند	راه‌پیمایی کردند
دلیل	علت / سبب
دلیل این بیماری	علت این بیماری
به دلیل سقوط از کوه	به سبب/ به علت / بر اثر سقوط
رییس جمهوری کاخ سفید	رییس جمهور آمریکا
بستن رخنه‌های ورودی	بستن راه‌های ورودی
روحانیت آگاه	روحانیان آگاه
روحانیون	روحانیان
سؤال	سؤال

سرویس اطلاعاتی	دستگاه / سازمان اطلاعاتی
سرویس جاسوسی	دستگاه / سازمان جاسوسی
سوء تفهیمات	سوء تفاهمات / سوء تفاهم
سوقصد و سوظن	سوء قصد و سوء ظن
سوبسید	یارانه
سیستم	نظام / سامانه
سیستم اقتصادی	نظام اقتصادی
شهرک های صهیونیستی	شهرک های صهیونیست نشین
ضرب الاجل داد	ضرب الاجل تعیین کرد
تهران	تهران
عدم آشنایی	آشنا نبودن
عدم اطلاع	بی اطلاعی
عدم اعتماد	بی اعتمادی
عدم پایداری	ناپایداری
عدم توانایی	ناتوانی
عدم حس همکاری	نداشتن حس همکاری
عدم دقت	بی دقتی
عدم کفایت	بی کفایتی
عدم لیاقت	بی لیاقتی
عدم نیاز	بی نیازی
علاقمند	علاقه مند
علیرغم	به رغم / با وجود / با آن که
حمله علیه شهرها	حمله به شهرها
حمله بر علیه دشمن	حمله به دشمن

اصول غیر قابل خدشه	اصول خدشه ناپذیر
غیر قابل اجتناب	اجتناب ناپذیر
غیر قابل انعطاف	انعطاف ناپذیر
غیر قابل انکار	انکار ناپذیر
غیر قابل باور	باور نکردنی
غیر قابل برگشت	برگشت ناپذیر
غیر قابل شکست	شکست ناپذیر
غیر منتظرانه	غیر منتظره
فاز اول	مرحله اول
کج دار و مریض	کج دار و مریز
کشور دیکتاتور	حکومت دیکتاتور
کمپانی	شرکت
لازم به یاد آوردی است	یاد آور می‌شود
مایحتاج مورد نیاز	مایحتاج
متبوعه	متبوع
دولت متبوعه	دولت متبوع
محتویات مذاکرات	محتوای مذاکرات
مدرن	جدید/ پیشرفته/ نو
ممنوعه	ممنوع
منتشره	منتشر شده
منسه ظهور	منسه ظهور
مورد بررسی قرار گرفت	بررسی شد
مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد	بررسی و ارزیابی می‌کند
مورد تحقیق قرار داده بود	تحقیق کرده بود

مورد تصویب قرار گرفت	تصویب شد
مورد مطالعه قرار دادند	مطالعه کردند
به مورد اجرا گذارده شود	اجرا شود
مهار سیل	مهار کردن سیل
پیش بینی می کنیم کاهش خواهد یافت	پیش بینی می کنیم که کاهش یابد
برای اتخاذ یک چنین تصمیمی	برای اتخاذ چنین تصمیمی
بر پایه یک گزارش سازمان ملل	بر پایه گزارش سازمان ملل
به عنوان یک الگوی موفق	به عنوان الگویی موفق
در رأس یک هیأت بلند پایه	در رأس هیأتی بلند پایه
در یک هفته اخیر	در هفته اخیر
یکان های ارتش	یگان های ارتش
آبژور	نورتاب
آبونه	مشترک
آپارتمان	کاشانه
آپ تودیت	روزآمد
آتلیه	کارگاه
آرشیو	بایگانی
آرم	نشانه
آسانسور	آسان بر (برای حمل انسان)
	بالابر (برای حمل بار)
آشپزخانه آپن	آشپزخانه باز
آکادمی	فرهنگستان
آکادمیک	دانشگاهی
آکادمیک	علمی، عالمانه

آلبوم	جنگ
آنتیک	عتیقه
آنکال	گوش به زنگ
آیفون	آوا بر
اپراتور	کارور - کاربر
اپلی کیشن	درخواست نامه
اتویان	بزرگراه
اتوماتیک	خودکار، خود به خود
اجاق مایکروویو	تندپز
ادیت	ویرایش
ادیتور	ویراستار
اسانس	عطرمايه
اسپری	افشانه
استامپ	جوهرگین
اسکورت	همروان
اسکورت کردن	همروی کردن
اشل	پایه
اف اف	درباز کن
اکولوژی	بوم شناسی، بوم شناخت
اکیپ	گروه مجهز
اندیکاتور(دفتر)	نامه نما
انستیتو	مؤسسه
انیماتور	پویا نما
انیمیشن	پویا نمایی

اولتیماتوم	اتمام حجت، زنهاره
اونیفورم	همسانه
ایمیل	پیام‌نگار
بادی‌گارد	جان پاس
بارکد	رمزینه
بارم	شمارک
بالکن	ایوانک
بانداژ	نوار پیچی
بروشور	دفترک
بلندر	مخلوط کن
بلوار	چارباغ
بن	بها برگ - کالا برگ
بورس (بازار)	بها بازار
بوکس	مشت‌زنی
بوکسور	مشت‌زن
بولتن	خبرنامه
بیلان	تراز نامه
بیوگرافی	سرگذشت، زندگی نامه، شرح حال
پاراف	پیش امضا
اتوبیوگرافی	زندگی نامه
پاراگراف	بند
پارتیشن	دیوارک
پارلمان	مجلس
پاسیو	نورخانه

پاویون	کوشک
پرسنل	کارکنان
پر فراژ	آژدار
پروژکتور	نور افکن - فرا تاب
پرو فرما	پیش برگ
پلمپ	مهر و موم
پلی کیبی (دستگاه)	دستگاه تکثیر
پمپاژ	پمپ زنی، تلمبه زنی
پورسانت (پورسانت)	درصدانه، درصد (بنا به مورد)
پیرکس	نسوز
پیش فاکتور	پیش برگ
تئاتر	نمایش
تئوریک	نظری
ترموکوپل	بندآور
تست	آزمون
تست کردن	آزمودن
تستی	آزمونه‌ای
تکنوکرات	فن سالار
تکنوکراتیک	فن سالارانه
تکنو کراسی	فن سالاری
تکنولوژی	فن آوری
تکنولوژیست	فن آور
تکنولوژیک	فن آورانه
تکنیک	فن

تله تکست	پیام نما
تیراژ	شمارگان
جکوزی	ابزن
چیلر	سرد کن
حق التحقیق	پژوهانه
حق التدریس	آموزانه
دکور	آرایه
دکوراتور	آرایه گر... (مانند صحنه گر)
دکوراتیو	آرایشی، تزیینی
دکوراسیون	...آرایی
دمپینگ	بازار شکنی
دوپینگ	زور افزایی
رتوش	پرداخت
رتوشور	پرداخت کار
زونکن	پروندان
سریال	زنجیره
سمبول	نماد، رمز
سمبولیسم	نمادگان
سمبولیک	نمادین، رمزی
سندیکا	اتحادیه
سنسور	حس گر
سوژه	موضوع
سوویت	سراچه
سیفون	آب شویه

سیلندر	استوانک
سینک	ظرف‌شویی
شارژ	هزینه سرانه خدمات/ هزینه بها
شیفت	نوبت
فاز	گام
فاکتور	برگ خرید، صورت حساب
فاکس	دورنگار - نماير
فاکس کردن	دورنگاری
فانتزی	تفنی
فرم	برگه
فریزر	یخ زن
فریزری	یخ زده
فریز کردن	منجمد کردن
فلاسک	دمايان
فلاش تانک	آب شويه
فلش	پیکانه
فیش	برگه
فیلتر	پالایه
کابل	بافه
کابین	اتاقک
کاتالوگ	فهرست / کالانما
کار تابل	کارپوشه
کاور	پوش
کپی	رونوشت، روگرفت

کپی رایت	حق نشر
کریستال	بلوره
کلاسه	رده، طبقه
کلاسه بندی	رده بندی، طبقه بندی
کلاسه شده	رده بندی شده، طبق بندی شده
گارانتي	تضمین، ضمانت
مارگارین	کره ی نباتی
ماکت	نمونک
مکانیزه	ماشینی
موکت	فرشینه